

اعتراف کارشناسان به شکست سیاست خصوصی سازی (۱)

تشکیل «سازمان خصوصی سازی» فقط عائله دولت را افزایش می دهد

گروه اقتصادی:
چندی پیش در خبرها آمده بود دولت موفق شده است به منظور سرعت بخشیدن در امر واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی «سازمان خصوصی سازی» تأسیس کند.

بر اساس این خبر در آینده کلیه امور مربوط به واگذاری شرکت های دولتی به وکالت از آنها در جهت تسریع روند خصوصی سازی به این سازمان واگذار خواهد شد. به دنبال اعلام این خبر، گفتگویی با چند تن از کارشناسان و صاحب نظران انجام داده ایم که ضمن بررسی اجتمالی روند خصوصی سازی در ایران طی برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی لزوم یا عدم ضرورت تأسیس «سازمان خصوصی سازی» مورد گفتاوش قرار گرفته است.

دکتر حاسملی نورا استاد اقتصاد دانشگاه و عضو کمیسیون برنامه و بودجه در مجلس پنجم، در خصوص علت مطرح شدن بیجا سیاست خصوصی سازی در ایران می گوید: امروزه فلسفه سیاسی دنیای صنعتی میشی بر افزایش تولید و بهره وری است و بسیاری در سیاستها و برنامه ریزیهای دو قرن اخیر ما را به این نتیجه می رساند که هر گاه یک معضل یا مشکلی بر سر آرزوها و سیاست گذارهای یک نظام پدیدار شده نخبگان آن نظام سعی کرده اند راه حلی پیدا کنند، آن مشکل و معضل را بر طرف سازند.

در کشور ما نیز مسأله تولید مشکل بهره وری دارد این مسأله را برخی کارشناسان ناشی از دولتی بودن اقتصاد عنوان می کنند. آنان معتقدند که عدم بهره وری به مشکل دولتی بودن اقتصاد مربوط است بنابراین لازم است به سمت خصوصی سازی روی آوریم. دکتر نورا می افزاید: در

برنامه اول و دوم که بحث تعدیل اقتصادی مطرح شد بیشترین ضربه بر پیکر سیستم های دولتی وارد شد. این استاد دانشگاه می افزاید: دولت برای جبران این کار (چون نمی توانست به بخش خصوصی واگذار کند) تشکیل شرکت های دولتی را تحت قانون تجارت مطرح کرد و تصور می کرد با ایجاد شرکت های دولتی می تواند مشکل بهره وری در تولید را حل کند و متأسفانه این شرکت ها بدون کنترل و ضابطه گسترش یافته اند و آنچنان زیاد شدند که مشکل دولت از بهره وری به سوی شرکت های دولتی تغییر کرده به نحوی که امروزه بزرگترین معضل کشور، شرکت های دولتی است از طرفی خود این شرکت ها هر چند می خواهند مانند شرکت های غیردولتی عمل کنند ولی دولتی هستند و هیچ مدیرعاملی در این مجموعه حاضر نیست ریسک را در تصمیم گیریهای پذیرد بنابراین وقتی ریسک پذیر نباشد غالب فکر مدیران آن مجموعه دولتی خواهد بود و می خواهد امنیت شغلی خودش را حفظ کند.

از طرفی این شرکت ها منابع مالی را حذر دادند چرا که حجم بودجه هایی که هیأت مدیره ها و مدیران حامل و واسطه های این شرکت ها دریافت کردند آنچنان بالا بود که موجب ورشکستگی آنان شد.

دکتر نورا در خصوص شش رابست لازم برای خصوصی سازی می گوید: در دنیا ثابت شده است که آزادسازی اقتصاد چیزی بدی نیست، اما خصوصی سازی اقتصاد شرایط و بستری مناسب می طلبد از جمله اینکه در آن باید بین عرضه و تقاضا توازن وجود داشته باشد. در دیگر کشورهای دنیا نیز

در کشور ما نیز مسأله تولید مشکل بهره وری دارد این مسأله را برخی کارشناسان ناشی از دولتی بودن اقتصاد عنوان می کنند. آنان معتقدند که عدم بهره وری به مشکل دولتی بودن اقتصاد مربوط است بنابراین لازم است به سمت خصوصی سازی روی آوریم. دکتر نورا می افزاید: در

کارشناسان می گفتند اگر شمار ترخها را آزاد بگذارید وقتی قیمت ها واقعی شود رشد ترخها هم متوقف می شود. وی می گوید: در آن زمان من عضو کمیسیون برنامه و بودجه بودم و کاملاً در جریان خصوصی سازی قرار داشتم، در آن زمان شرکتها در برابر خصوصی سازی به شدت مقاومت می کردند، همچنین مدیران هیاتهای موظف و حتی وزرای که الان خصوصی سازی را مطرح می کنند نه تمایلی به خصوصی سازی نشان نمی دادند بلکه مقاومت هم می کردند به همین دلیل آن قسمتهایی که مجلس دوره پنجم تصویب کرد

که خصوصی شوند، معمولاً با کندی و روش غیر صحیح انجام شد.

دکتر نورا می افزاید: بحث خصوصی سازی باید بین منابع مادر و غیر مادر تفکیک شود. صنایعی مانند نخ تایی لزومی ندارد که در اختیار دولت باشد باید به بخش خصوصی واگذار شود ولی صنایعی از قبیل کارخانه های تولیدکننده مواد اولیه خام (مانند صنایع رنگ و صنایع داروسازی) را نمی توان به بخش خصوصی واگذار کرد، حتی در اروپا که نظام اقتصادی آزاد دارند اینگونه صنایع در اختیار دولت است.

وی اضافه می کند: متأسفانه ما در تعریف خصوصی سازی حد و حدودی تعیین نکرده ایم. ما مستقیماً که حدود خصوصی سازی باید بدون افراط و تفریط مشخص شود زیرا اگر بخواهیم همه چیز دولتی باشد تیغ و تلاش را از بین می بریم و اگر همه چیز خصوصی باشد منافع عمومی زیر سؤال می رود. وی می افزاید: مسأله عدالت اجتماعی از سیاستهای است که در برنامه های قبلی و برنامه سوم سرلوحه امور بوده و خصوصی سازی به مشکل کنونی با اصول عدالت اجتماعی تمارش دارد، چرا که با این شکل از خصوصی سازی دانشهای اقتصادی بوجود می آید و توزیع ثروت کاملاً ناهماهنگ خواهد شد و با افزایش فاصله بین فقیر و غنی بحث عدالت اجتماعی محقق

نخواهد شد. وی می افزاید: مسأله محدودیت زدایی از شمارهای انقلاب بوده و هست که چنانچه امکانات به بخش خصوصی واگذار شود این بخش از سرمایه گذاری در مناطق محروم خودداری خواهد کرد بنابراین بیشترین ضربه به این بخشها وارد خواهد شد.

دکتر حاسملی نورا درباره نتیجه سیاست خصوصی سازی می گوید: ما در بخش خصوصی سازی شدت ضعیف و بدعمل کردیم، باید اعتراف کرد که ما در خصوصی سازی شکست خوردیم، به عبارت دیگر خصوصی سازی به شکلی که تاکنون صورت گرفته اتفاق منافع بوده است چرا که از هر نظر که بررسی می کنیم به هیچ نظارتی پس از واگذاری صورت نگرفته است.

دکتر نورا با اشاره به اینکه در دنیا شرکتها و کارخانه های دولتی به این دلیل به بخش خصوصی واگذار می شود که دولت توان تأمین نقدینگی ندارد بنابراین به کسانی که نقدینگی خوبی دارند در بخش خصوصی واگذار می کند، می گوید: متأسفانه در ایران واگذاریهایی که انجام شده به کسانی واگذار شده که اصلاً نقدینگی نداشته اند و برخی واگذاریها به کسانی بوده که حتی گردش نقدینگی نداشته در نتیجه شرکت های واگذار شده به جای اینکه به افزایش تولید مواجه شوند به کاهش تولید رسیده اند.

وی می افزاید: دولتمردان پس از چند سال بی بردن سیاستی که برای خصوصی سازی در پیش گرفته اند اشتهاء بوده و متأسفانه ادامه خصوصی سازی به همین شکل ناگهانی بر اشتهاء گذشته است، من مستقیماً خصوصی سازی باید در بستری طبیعی صورت پذیرد نه در یک بشر تصنعی، در حال حاضر ما سعی می کنیم در بستر تصنعی خصوصی سازی انجام دهیم در حالی که جامعه ما آمادگی لازم را ندارد.

وی درباره تأسیس سازمان خصوصی سازی می گوید: تأسیس این سازمان در دوره

مجلس پنجم مطرح بود و ما مخالف تأسیس آن بودیم چرا که مستقیماً سازمان خصوصی سازی هم مانند سایر شرکت های دولتی تنها عائله دولت را افزایش خواهد داد، و ایجاد هر گونه شرکت و سازمانی در شرایط موجود به نفع کشور نیست زیرا تجربه کرده ایم که هر شرکت یا سازمانی که تأسیس کرده ایم نتوانستیم آن را منحل

کنیم. در همین رابطه دکتر رضا احسانی عضو انجمن اقتصاددانان ایران هم با اشتهاء خواندن روش نوع خصوصی سازی در ایران می افزاید: گرایش به سمت سیاستهای خصوصی سازی نه تنها موجبات افزایش سرمایه گذاری در بخشهای تولید را فراهم نکرد بلکه واگذاری بخش خصوصی با هزینه های بیشتر، موجب سوءاستفاده کارفرمایان جدید و استثمار کارگران در بخش خدمات شده است.

دکتر احسانی می افزاید: سنگ بنای بی ثباتی اقتصادی، با پیروی دولتمردان از استراتژیهای بانک جهانی، پی ریزی شده است و روش غلط خصوصی سازی منجر به افزایش فاصله طبقاتی و انباشت سرمایه در دست افرادی خاص شده است.

وی می افزاید: سیاستهای معروف به تعدیل ساختاری از قبیل خصوصی سازی، آزادسازی قیمتها، عدم کنترل قیمتها از سوی دولت، حذف نسبی یارانه ها و رفع موانع نسبی تجارت خارجی، مسبب تشدید تورم چه از طریق افزایش هزینه ها و چه از طریق افزایش تقاضا شده است.

محمدرضا خیاب نماینده مردم کاشمر در مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان فردی که به سیاست خصوصی سازی رأی مثبت داده و از آن دفاع کرده است هم در این باره می گوید: گمان نمی کنم کسی در اصل خصوصی سازی که با الثباتی اقتصاد آشنا باشد بحثی داشته



باشد، اما آن چیزی که اعتراض عده‌ای را تاکنون نسبت به این سیاست برانگیخته که برخی به حق و برخی به ناحق بوده است در شیوه خصوصی سازی است. عده‌ای معتقدند این روش از خصوصی سازی که در پیش گرفته ایم ممکن است ما را به نتیجه مطلوب نرساند.

محمد رضا خباز می افزاید: کشورهای مانند چین که دارای اقتصاد بسته دولتی بودند بعد از فروپاشی شوروی به این نتیجه رسیدند که اقتصاد دولتی مدل مناسبی برای اقتصاد یک کشور نیست و باید مردم را در اداره کشور و امور اقتصادی مشارکت داد. بنابراین سیاست خصوصی سازی در چین با موفقیت انجام شد، حال این سوال مطرح می شود که دلیل موفقیت کشور یک میلیارد و دو بیست میلیون نفری چین باشد اقتصادداری ۱۲ درصد در خصوصی سازی چیست که کشور ایران با رشد ۱/۸ درصدی در اجرای این سیاست شکست می خورد؟ دلیل توفیق چین این بود که به محض اینکه دولت تصمیم گرفت و مجلس تصویب کرد هیچ کس به خودش اجازه مبارزه نمی دهد، ولی در ایران هر روز از یک گوشه ای صدایی بر می خیزد و هر کس تصمیمی می گیرد و مراکز تصمیم گیری

بقدری زیاد است که یکی تصمیم می گیرد و دیگری لغو می کند. چنین ها چنین چیزی نداشتند. خباز می افزاید: من به عنوان نماینده مجلس در امر واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی در مدت برنامه سوم، خیلی به موفقیت این برنامه امیدوار نیستم، چرا که هنوز عده‌ای از مسئولان به خصوصی سازی باور ندارند و دیدگاه دولتی دارند، در ثانی حرکت نامناسب در واگذاری شرکتهای و کارخانه‌ها بجای مزایده از طریق مذاکره به مدیران همان شرکتهای و کارخانه‌ها که اعتراض نمایندگان و سازمان بازرسی را برانگیخت. علاوه بر آن تا بحال نه تنها به تولید به چشم عزت و احترام نگاه نکرده ایم بلکه همیشه تولیدگر و کارآفرین را که قصد ایجاد اشتغال دارد مذمت کرده ایم.

وی در باره ضرورت خصوصی سازی می گوید: دولت نباید تصدی گری داشته باشد بلکه باید حاکمیت و حکومت کند. سیاست گذاری کند. سیاستهای کلان و نظارت را به عهده گیرد و به ندویس و برنامه ریزی مسائل کلان جامعه بپردازد. در مقابل مردم در ابعاد مختلف اقتصادی دخالت کند و هر کس سود بیشتری برد ما نباید

ناراحت باشیم بلکه باید خوشحال باشیم و مالیات بیشتری از آن اخذ کنیم. یعنی مبارزه با ثروت اندوزی از طریق دریافت مالیات صورت گیرد تا فاصله طبقاتی هم افزایش نیابد و ثروتهای کلان یکشنبه انباشته نشود.

خباز فراموش نبودن بستر مناسب برای خصوصی سازی در جامعه را از دلایل عمده عدم موفقیت سیاست خصوصی سازی عنوان می کند و می افزاید: سیاست خصوصی سازی طی برنامه توسعه اقتصادی در حد یک شعار باقی ماند و تنها موفقیت آن این است که قبح و طبلسم خصوصی سازی را شکست. زیرا پیش از این هر کس اسم خصوصی سازی را می برد به شدت تکفیر می شد.

این نماینده مجلس با مثبت ارزیابی کردن تأسیس سازمان خصوصی سازی، می افزاید: با شروع بکار سازمان خصوصی سازی حداقل فایده‌ای که خواهد داشت این است که در مسأله خصوصی سازی یک مرکز تصمیم گیری بوجود خواهد آمد.